

موسسه قانون یار (مبتکر کتب صوتی حقوقی برای اولین بار در کشور)

کامل ترین و جامع ترین کتاب و منبع برای درس مدنی این اثر چهار جلدی ((۴ کتاب مجزا))

به تالیف دکتر بهنام اسدی می باشد

داوطلبان عزیز توجه داشته باشید صرفاً با مطالعه این اثر چهار جلدی

به هیچ منبع و کتاب دیگری ((حتی کتاب در نظم دکتر کاتوزیان)) نیاز نخواهید داشت

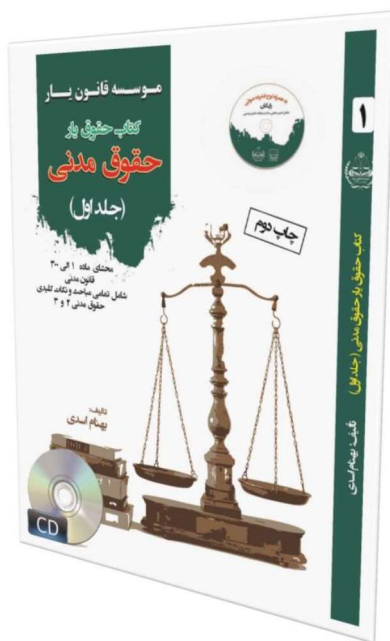
داوطلبانی که این منبع را به عنوان منبع اصلی مطالعه خویش قرار داده اند

رتبه های تک رقمی آزمون وکالت را کسب کرده اند

ما این ادعا را ثابت کرده ایم. کلیک کنید خودتان ببینید

انتخاب منبع درست و پربار اولین تصمیمی است که هر داوطلب باید بگیرد

صد در صد تضمینی



صد در صد تضمینی

جهت تهیه این کتاب به همراه فایل صوتی تدریس با موسسه قانون یار تماس حاصل فرمایید

۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹

۰۲۱۶۶۹۷۹۵۲۶

- ماده ۲۰۲ قانون مدنی: «اکراه به اعمالی حاصل می‌شود که مؤثر در هر شخص باشعوری بوده و او را نسبت به جان یا مال یا آبروی خود تهدید کند به نحوی که عادتاً قابل تحمل نباشد. در مورد اعمالی اکراه آمیز سن و شخصیت و اخلاق و مرد یا زن بودن شخص باید در نظر گرفته شود»

اکراه در شخص

★ اکراه باید در شخص مؤثر باشد و عادتاً قابل تحمل نباشد، لذا عرف و رفتار متعارف، آن را مشخص می‌کند.
★ اکراه در ایقاع نیز مؤثر است و نفوذ حقوقی آن را از بین می‌برد و به نظر بعضی حقوقدانان آن را باطل می‌کند.

خیلی دقت کنید

✓ تهدید مکره ((آن کسی که تهدید می‌کند)) باید نامشروع باشد.

🌸 مثلاً تهدید به تعقیب قانونی و اعلام ورشکستگی و اینگونه موارد اکراه محسوب نمی‌شود.

در اکراه اراده مکره معیوب است

مکره آن کسی است که مورد تهدید قرار می‌گیرد.

مکره آن کسی است که تهدید می‌کند.

در اکراه

همانطور که گفتیم در اکراه اراده مکره معیوب است زیرا تهدیدی متوجه او شده است و رضای او آزادانه محقق نشده است.

همانطور که گفتیم < در نتیجه رضای معیوب، عقد غیر نافذ می‌شود. بنابراین معامله اکراهی غیر نافذ معامله‌ای است که مکره یا تهدید شونده دارای قصد انشاء است اما فاقد رضای معتبر و رضایت او مخدوش است.

✓ به یاد داشته باشید < اکراهی عقد را غیر نافذ می‌کند که در شخص مؤثر باشد و اراده مکره را معیوب کند.

🌸 مثلاً اگر برای وادار کردن پدری به انجام معامله، او را به گشتن فرزند نوجوانش تهدید کنند، اکراه زمانی تحقق پیدا می‌کند که تهدید در پدر مؤثر افتد. در صورت انجام معامله، این عقد غیر نافذ است چرا که رضایت باطنی این پدر لازم است زیرا اکراهی که در جان و مال و آبروی طرف تحقق پیدا کند، موجب عدم نفوذ معامله می‌شود.

🌸 مثلاً عقدی که تحت تأثیر تهدید، انشاء شود این عقد غیر نافذ است.

((این نکات در مواد ۲۰۳ و ۲۰۴ قانون مدنی بیان گردیده است))

• ماده ۲۰۳ قانون مدنی: «اکراه موجب عدم نفوذ معامله است اگرچه از طرف شخص خارجی غیر از متعاملین واقع شود».

• ماده ۲۰۴ قانون مدنی: «تهدید طرف معامله در نفس یا جان یا آبروی اقوام نزدیک او از قبیل زوج و زوجه و آباء و اولاد موجب اکراه است. در مورد این ماده تشخیص نزدیکی درجه برای مؤثر بودن اکراه بسته به نظر عرف است».

خیلی دقت کنید

تهدید طرف معامله به اموال خویشان نزدیک معامله کننده نیز اکراه محسوب می شود به شرط اینکه به جان، مال و یا آبروی آن شخص صدمه بزند و اگر واقعاً مشخص شود که تهدید به جان یا مال یا آبروی شخص دیگری در اراده معامله کننده خدشه وارد کرده است و باعث معیوب شدن رضا گردیده است، عقد را غیر نافذ می کند.

ماده ۲۰۵ قانون مدنی: «هرگاه شخصی که تهدید شده است بداند که تهدیدکننده نمی تواند تهدید خود را به موقع اجرا گذارد و یا خود شخص مزبور قادر باشد برای آنکه بدون مشقت، اکراه را از خود دفع کند و معامله را واقع نسازد آن شخص، مکره محسوب نمی شود».

همانطور که گفتیم ← تهدید باید در شخص مؤثر باشد تا معامله غیر نافذ گردد.

تهدید در لغت به معنای تخویف، ترساندن و بیم دادن است. عرف و قانون نیز همین تلقی را از این عنوان دارند، اساتید حقوق تهدید را بیان رفتار نامشروعی دانسته اند که مرتکب می خواهد آن را انجام دهد.

• ماده ۲۰۶ قانون مدنی: «اگر کسی در نتیجه اضطرار، اقدام به معامله کند مکره محسوب نشده است و معامله اضطراری معتبر خواهد بود»

درست است که معامله مضطر یا معامله اضطراری معتبر و صحیح است اما در این خصوص باید گفت: سوء استفاده از اضطرار یا ایجاد آن به منظور اجبار طرف معامله، اکراه محسوب می شود و این معامله غیر نافذ می گردد. بنابراین اگر طرف معامله از اضطرار طرف دیگر معامله سوء استفاده کند این معامله غیر نافذ می شود اما اصل بر این است که در معاملات اضطراری عقد صحیح و نافذ است.

و این صحیح بودن به خاطر خود شخص مضطر است به مثال زیر توجه کنید

🚧 مثلاً خود شما مضطر هستید و به پول احتیاج دارید و مجبور هستید ماشینتان را بفروشید، این خودش نوعی حالت اضطرار است. اگر قانون گذار این معامله شما را نامعتبر بداند این به ضرر خود شماست و دیگر کسی با شما معامله نمی کند و شما در حالت اضطراری که برایتان به وجود آمده است، نمی توانید مالتان را بفروشید و مشکلاتان را حل کنید.

تفاوت معامله اضطراری با معامله اکراهی

معامله مضطر صحیح و معتبر است و این به دلیل اصل استحکام معاملات و مصلحت خود مضطر می باشد.
معامله اکراهی به علت مخدوش بودن رضایت، غیر نافذ است.

نکته کنکوری- ارشد آزاد ۸۵

حکم وقوع اکراه در ماهیت و عناوینی از قبیل فسخ عقد، اخذ به شفعه، ابراء و طلاق چیست؟
✓ اکراه باعث عدم نفوذ معامله است و اکراه در ایقاعات نیز راه دارد و معامله را غیر نافذ می کند اما بعضی ایقاعات هستند مثل اخذ به شفعه و فسخ در موارد خیاری که باید فوراً صورت بگیرند و درنگ در آنها راه ندارد.

خیلی دقت کنید

ممکن است اکراه از طرف شخص خارجی غیر از طرف معامله به معامله کننده وارد شود. که در این صورت باز هم معامله غیر نافذ می شود. لذا اینطور نیست که بگوییم حتماً باید طرف معامله تان را خود شما اکراه کرده باشید تا معامله غیر نافذ شود.

✓ پس اگر شخصی خارجی غیر از طرف معامله تان، شما را مکرر کند عقد غیر نافذ منعقد می شود.
اکراه موجب عدم نفوذ معامله است اگر چه از طرف شخص خارجی باشد.

به یاد داشته باشید

نکته کنکوری

تهدید نسبت به شخص ثالث چه تأثیری بر عقد دارد؟
✓ تهدید نسبت به شخص ثالث هیچ تأثیری بر عقد ندارد چرا که حتی اگر اراده شخص ثالث هم معیوب شود، هیچ تأثیری بر صحت عقد نخواهد داشت و تنها موردی که برای ما مهم است اراده دو طرف عقد می باشد.

تفاوت تهدید نسبت به شخص ثالث و تهدید از طرف شخص ثالث

۱- تهدید نسبت به شخص ثالث	۲- تهدید از طرف شخص ثالث
تهدید نسبت به شخص ثالث هیچ تأثیری بر عقد ندارد.	در تهدید از طرف شخص ثالث عقد غیر نافذ می شود زیرا تهدید از طرف شخص ثالث بر یکی از طرفین معامله وارد می شود و در نتیجه عقد را غیر نافذ می کند. برای اینکه تهدید طرف معامله، اکراه محسوب شود باید این اکراه یکی از ۳ فاکتور زیر را داشته باشد: باید تهدید طرف معامله در نفس، جان یا در آبرو و اموال اقوام نزدیک از قبیل زوج و زوجه و فرزندان و پدر و مادر موثر باشد.

همانطور که گفتیم معامله اضطراری یا معامله مضطر ← صحیح است.

مثلاً اگر پدری برای پرداخت پولی که رباوندگان فرزندش برای زنده آزاد کردن این کودک ربوده شده، از او بگیرند و در این راستا، این پدر مجبور باشد ماشین خودش را به زیر قیمت بفروشد، این معامله صحیح است.

بررسی تفاوت اضطرار و اکراه

۱- اجبار درونی است. ۲- هدف از اضطرار، انعقاد معامله نیست.	اضطرار
۱- عمل اجبارکننده بیرونی است که موجب می‌شود عقد غیر نافذ شود. ۲- هدف از تهدید، انعقاد معامله است.	اکراه

• ماده ۲۰۷ قانون مدنی: « ملزم شدن شخص به اثناء معامله به حکم مقامات صالحه قانونی اکراه محسوب نمی‌شود». اگر شخصی به حکم مقامات صالحه قانونی مجبور به انجام و اثناء معامله شد، این معامله صحیح است و در این خصوص اجبار باعث عدم نفوذ عقد نمی‌شود.

• ماده ۲۰۸ قانون مدنی: « مجرد خوف از کسی، بدون آنکه از طرف آن کس، تهدیدی شده باشد اکراه محسوب نمی‌شود».

بنابراین ترس از کسی اکراه محسوب نمی‌شود زیرا کسی، شما را مجبور نکرده است که معامله کنید و شما مورد تهدید کسی قرار نگرفته‌اید. لذا معامله صحیح است.

مثلاً ← اگر کسی خانه خودش را از ترس حمله سارقین بفروشد، این معامله صحیح است.

خیلی دقت کنید

✓ اگر استفاده از نفوذ معنوی ناروا همراه با فشار یا تهدید به ورود ضرر باشد، عقد غیر نافذ می‌شود و در حکم اکراه خواهد بود.

• ماده ۲۰۹ قانون مدنی: « امضاء معامله بعد از رفع اکراه موجب نفوذ معامله است».

قبل از اینکه نکات این ماده مهم را بیان کنیم لازم است بدانید اکراه به دو قسم تقسیم می‌گردد:

۱. اکراه به حق ← از این اکراه بیشتر به اجبار تعبیر می‌شود، مانند اجبار محترک توسط حاکم شرع بر فروش کالای احتکار شده یا اجبار خودداری کننده از ادای دین یا حق بر ادای آن. این نوع اکراه بدون شک، مشروع است، بلکه ماهیت آن از نظر شرع به اکراه بر نمی‌گردد؛ زیرا اثر اکراه که پس از این خواهد آمد بر آن بار نمی‌شود. بنابراین اگر حاکم شرع فردی را به طلاق همسرش مجبور کند طلاق صحیح واقع می‌شود.

۲. اکراه به ناحق ← اکراه به ناحق عبارت است از اکراه از روی ستم. بیشتر موارد کاربرد اکراه در فقه ناظر به این قسم است که حرام و غیر مشروع است.

مفاد ماده ۲۰۹ قانون مدنی را با ماده ۱۹۹ قانون مدنی اشتباه نگیرید

ماده ۱۹۹ قانون مدنی: « رضای حاصل در نتیجه اشتباه یا اکراه موجب نفوذ معامله نیست».

بین این دو ماده تعارضی وجود ندارد (از لحاظ شکلی)

ماده ۱۹۹ قانون مدنی	ماده ۲۰۹ قانون مدنی
مربوط به اکراهی است که مادی می باشد یعنی قدرت تصمیم گرفتن به طور کلی از شخص گرفته می شود و به خواب مصنوعی می رود و حالت شخصی است که در خواب یا هیپنوتیزم است یعنی ۱٪ قصد ندارد. مثل کسی که مسلوب اراده است و عقد به دلیل فقدان قصد باطل می شود و با امضاء بعدی شخص مکره، معامله نافذ نمی شود. چون معامله ای که به علت فقدان قصد باطل باشد حتی با تنفیذ بعدی شخص نافذ و صحیح نمی گردد. ((فرق بین غیر نافذ با باطل در اینجا معلوم می شود))	ناظر به اکراهی است که شخص قصد انجام معامله را دارد و قصد، مخدوش نیست اما رضایت این شخص، مخدوش است و در معامله، رضایت معیوب است. نبود رضایت کامل در معامله، معامله را غیر نافذ می کند و ماده ۲۰۹ قانون مدنی در همین راستا بحث کرده است.

ماده ۱۹۹ قانون مدنی: قصد ☒ رضا ☒

ماده ۲۰۹ قانون مدنی: قصد ☒ رضا ☒

مثلاً در تاریخ ۱۳۹۳/۳/۱ علی با حسن معامله ای را انجام می دهد. فرض را بر این می گذاریم که در این معامله، رضایت حسن، مخدوش است و معامله اکراهی است و عقد به صورت غیر نافذ منعقد می شود. برای نفوذ و صحت ۱۰۰٪ این معامله رضایت حسن نیاز است. در همین لحظه ((یعنی همین روز و همین لحظه)) حسن این معامله را تنفیذ می کند و معامله نافذ می شود.

سوال ← منافع این مال از تاریخ ۱۳۹۳/۳/۱ تا به امروز متعلق به چه کسی است؟ (علی یا حسن)
✓ تنفیذ کردن این معامله باعث نفوذ و صحت عقد از هنگامی تراضی می شود. یعنی اگر حسن این عقد را امروز تنفیذ کند انگار این معامله که از تاریخ ۱۳۹۳/۳/۱ منعقد شده است، از همان تاریخ کاملاً صحیح منعقد گردیده. بنابراین منافع مورد معامله از زمان عقد یعنی تاریخ ۱۳۹۳/۳/۱ به علی تعلق می گیرد.

به یاد داشته باشید

در مورد منافع مال موضوع معامله در صورت تنفیذ معامله از طرف شخص معامله کننده، باید گفت:

این منافع از زمان انعقاد عقد به خریدار تعلق می گیرد

در مورد عین مورد معامله اجازه شخص مکره ((آقای حسن)) نسبت به عین مال از تاریخ تنفیذ معامله خواهد بود. یعنی همان روزی که معامله را تنفیذ می کند. پس توجه داشته باشید این تنفیذ نسبت به منافع، اثر قهرایی دارد.

در معامله‌ای که تحت تأثیر اکراه انجام گرفته است مجازه مکره، فقط نسبت به منافع مال مورد معامله اثر قهقراي دارد.

در قرارداد و معامله اکراهي

تأثير تنفيذ در منافع نسبت به گذشته است.

تأثير تنفيذ در ملكيت عين معامله نسبت به آينده است.

✚ حال مثلاً فرض كنيد حسن هنوز اين معامله را تنفيذ نكرده است و قبل از تنفيذ فوت كند. ✚ در اين حالت اگر مكره ((حسن))، قبل از اجازه يا رد فوت كند، وارثان او حق رد و امضاء عقد را خواهند داشت. يعني اين تصميم گيري رد يا تنفيذ معامله اكراهي حسن به ورثه او مي‌رسد و آنها (وارثان او) هستند كه وضعيت حقوقي اين معامله را روشن مي‌كنند. ✚ لذا توجه داشته باشيد اختيار تنفيذ معامله شخص مكره در هر حال به ارث مي‌رسد و اگر مكره، پيش از اجازه يا رد فوت كند، اجازه يا رد با وراث او خواهد بود.

نكته كنكوري - سراسري ۸۴

اگر خريدار تحت تأثير اكراه، معامله خود را با فروشنده اقاله كند، وضعيت صحت اين اقاله به چه صورت خواهد بود؟ (صحيح است يا غير نافذ است) ✓ به دليل اينكه اقاله توافق دو طرف براي برهم زدن عقد است پس ماهيت آن مثل عقد خواهد بود. با اين اوصاف فهميديم كه: اقاله غير نافذ هم وجود دارد و مكره مي‌تواند اقاله را تنفيذ يا رد كند.

• ماده ۲۱۰ قانون مدني: « متعاملين بايد براي معامله اهليت داشته باشند».

اين ماده در خصوص لزوم داشتن اهليت طرفين در معامله بحث مي‌كند. اهليت به توانائي قانوني شخص براي دارا شدن يا اجراي حق گفته مي‌شود. توانائي دارا شدن حق < اهليت تمتع ناميده مي‌شود و توانائي اجراي حق < اهليت استيفاء ناميده مي‌شود. اصولاً هر شخص مي‌تواند صاحب حق باشد و با توجه به از ميان رفتن بردگي، نداشتن اهليت تمتع جنبه استثنائي دارد و محدود به موارد مشخص شده در قانون است. اما برخي از اشخاص با وجود اينكه مي‌توانند طرف حق قرار گيرند اما از اعمال آن حق محروم شده‌اند. نداشتن اهليت استيفا، «خجر» نام دارد و كسي كه فاقد اين اهليت است محجور ناميده مي‌شود. پس با اين اوصاف فهميديم كه:

عدم اهليت براي معامله كردن به دو دسته تقسيم مي‌شود:

۱- عدم اهليت عام مثل عدم اهليت ديوانه يا كودك

۲- عدم اهليت خاص مثل عدم اهليت معامله قيم با صغير

به یاد داشته باشید

هرگز فراموش نکنید حکم ماده ۲۱۰ قانون مدنی ناظر به **عدم اهلیت عام** است

کسانی که عاقل یا بالغ یا رشید نیستند اهلیت انجام معامله را ندارند

مثلاً کسی که صغیر است نمی‌تواند معامله کند زیرا اهلیت انجام معامله را ندارد. اما ولی قهری این شخص می‌تواند به جای او معامله کند و مثلاً ملکش را اجاره بدهد. زیرا ولی قهری نماینده قانونی صغیر است. 🌈
مثلاً شما ولی یک کودک صغیری هستید و ملک او را برای مدت سه سال اجاره می‌دهید. بعد از یک سال، این صغیر، بالغ و رشید می‌شود. اینجا برای مدت باقی مانده اجاره (یعنی دو سال) نیاز به تأیید و اجازه کسی نداریم.

چرا نیاز به تأیید یا اجازه صغیر ندارد؟

✓ زیرا ولی قهری نماینده قانونی صغیر است و اقداماتی که با رعایت مصلحت صغیر انجام می‌دهد صحیح و نافذ خواهد بود و حتی اگر در طی این سه سال، صغیر از حجر خارج شود باز هم نیاز به اجازه او برای تنفیذ این عقد نداریم.
این معامله از زمان انعقاد، نافذ بوده است و از آنجایی که این اجازه‌نامه با رعایت مصلحت صغیر منعقد شده است اجازه صغیر را حتی بعد از خروج از حجر لازم نخواهیم داشت.

اشخاصی که از تصرف در اموال
خودشان ممنوع نیستند:

- ۱- بیماران
- ۲- اتباع بیگانه
- ۳- زندانیان

اشخاصی که مجبورند از تصرف در
اموال خودشان ممنوع هستند:

- ۱- اشخاص سفیه
- ۲- صغار
- ۳- مجانین

نکته مهم

تمام معاملات مجنون دائمی و صغیر غیرممیز < به دلیل فقدان قصد باطل است زیرا مجنون دائمی و صغیر غیرممیز، اصلاً فاقد قصد هستند و معامله‌ای که قصد در آن نباشد < مسلماً باطل است.
لذا این اشخاص حتی نمی‌توانند تملکات بلاعوض و معاملاتی را که کاملاً به سود آنها است را قبول کنند.

به یاد داشته باشید

معاملات مجنون دائمی و صغیر غیر ممیز مطلقاً باطل هستند. یعنی در هیچ صورتی نمی‌توانند یک معامله‌ای را منعقد و قبول کنند حتی اگر به سودشان باشد.	معاملات مجنون دائمی و صغیر غیر ممیز
معاملات صغیر ممیز علی‌الاصول غیر نافذ است یعنی اصل بر این است که معاملات صغیر ممیز غیر نافذ است به جز این موارد: ۱- تملکات بلاعوض صغیر ممیز ۲- قبول هبه ۳- معاملاتی که کاملاً به سود او هستند. مثلاً اگر صغیر ممیز صلح بلاعوضی را که قبلاً قبول کرده است اقاله کند، این اقاله باطل است زیرا این اقاله به ضرر صغیر است و معاملاتی که صغیر انجام می‌دهد و به ضرر اوست حتی با اجازه ولی یا قیم هم نافذ نمی‌شود و کلاً باطل است. در نتیجه: اگر صغیر ممیز بدون اجازه ولی یا قیم خود، هبه‌ای را قبول کند این عقد صحیح است و مشکلی ندارد.	معاملات صغیر ممیز
در مقابل شخص صغیر ← شخص بالغ قرار دارد. (یعنی اگر یک شخصی صغیر است و در این راستا بالغ شود و از حجر خارج شود می‌تواند معامله کند))	
در مقابل شخص مجنون ← شخص عاقل قرار دارد.	
در مقابل شخص سفیه ← شخص رشید قرار دارد. (معامله مالی سفیه غیر نافذ است))	
۱ معاملات غیر مالی سفیه مثل نکاح و طلاق صحیح است.	
۲ تملكات بلاعوض سفیه صحیح است.	
۳ معاملاتی که کاملاً به سود سفیه هستند صحیح است.	
بنابر این معامله معوض سفیه بدون اجازه ولی یا قیم خودش غیر نافذ است و باید ولی یا قیم، معامله او را تنفیذ کند. پس معامله سفیه، قبل از تنفیذ یا رد سرپرست او، غیر نافذ است.	

✓ تمام معاملاتی که مضر به حال سفیه باشد و به ضرر او تمام شود حتی با اجازه ولی یا سرپرست او باطل است و نافذ نیست و قانون در این راستا در مقام حمایت از آنها در مقابل از دست رفتن اموالشان برآمده است و این معاملاتی را که به ضرر آنها تمام می‌شود را کلاً باطل دانسته است.

🌟 مثلاً اگر سفیه بخواهد وصیت زاید بر ثلث را تنفیذ کند، تنفیذ او باطل است زیرا این تنفیذ به ضرر اوست و تمام معاملات مضر به حال سفیه باطل است و حتی ولی یا سرپرست او نمی‌تواند آن را تنفیذ کند.

سوال: به چه کسی سفیه گفته می‌شود؟

✓ سفیه کسی است که فاقد قدرت تشخیص ارزش اقتصادی اشیاء است و تصرفات مالی کاملاً مضر او باطل است.

✓ سفیه همان شخص غیر رشید و شخص عقب افتاده و عقب مانده است.

معامله سفیه

۲- اگر سفیه یک عمل حقوقی غیر مالی را انجام دهد مثل عقد نکاح، این عمل او صحیح است و مشکلی ندارد.

۱- معامله مالی سفیه یا همان شخص غیر رشید با تنفیذ سرپرست معتبر و نافذ می‌شود.

تفاوت معامله مجنون دائمی با معامله مجنون ادواری

معاملات مجنون ادواری	معامله مجنون دائمی
در مورد معاملات مجنون ادواری باید گفت حکم معامله‌ای که مجنون ادواری انجام داده باطل است (مگر اینکه افافه وی در هنگام معامله محرز شود) زیرا حکم دادگاه اماره‌ای بر وجود جنون و عدم اهلیت مجنون ادواری است مگر اینکه افافه او به دلیلی ثابت شود.	در مورد معامله مجنون دائمی باید گفت تمام معاملات این شخص به علت فقدان قصد، باطل است و جای هیچ بحثی در این خصوص نیست.

این توهم پیش نیاید که الزاماً باید (طبق اصل صحت) معاملات مجنون ادواری را در حکم صحت و درستی بدانیم. چرا که معنای استصحاب (اصل صحت) جایی حاکم است که یقین سابق باشد که چنین یقینی برای صحت معامله مجنون ادواری موجود نیست. پس در هنگام شک در اینگونه موارد < اصل عدم جاری است.

در این رابطه در تدریس و تشریح کتاب حقوق یار اصول فقه به طور کامل توضیح خواهیم داد

خیلی دقت کنید

- ۱- حکم دادگاه دلیل نیست بلکه اماره است.
- ۲- اما اگر در مقابل این اماره، دلیلی ارائه شود اماره از اعتبار می‌افتد و دلیل حرف خودش را به کرسی می‌نشاند.
- مثلاً اگر مجنون ادواری معامله‌ای را انجام دهد و مشخص نباشد که در حال جنون بوده است یا در حال افاقه، این معامله باطل است زیرا اصل بر این است که در حال جنون بوده باشد و معامله‌ای که در حال جنون منعقد شود، باطل است. (طبق اصل عدم)
- ✓ اما اگر دلیلی در مقابل این اماره ارائه شود این معامله صحیح خواهد بود لذا معامله شخص مجنون ادواری در حال افاقه نافذ و صحیح است.

جمع بندی کلی از تمام مباحث ذکر شده

محجوران ((صغار و اشخاص غیر رشید (سفیه، ابله، عقب افتاده) و مجانین)) کسانی هستند که اهلیت استیفاء ندارند.

اعمال حقوقی صغیر ممیز و اشخاص غیر رشید غیر نافذ است.

اعمال حقوقی بقیه آنها ((مجانین و صغیر غیر ممیز)) باطل است.

نکته بسیار مهم و انحرافی

تملیکات بلاعوض از ناحیه محجورین به چه صورت است؟ (باطل است یا غیر نافذ)

تملیکات بلاعوض از ناحیه محجورین ((مجانین - صغیر غیر ممیز - صغیر ممیز و سفیه)) در هر حال باطل است.

تفاوت تملیکات با تملکات

تملیکات بلاعوض از ناحیه محجورین ((در هر حال)) باطل است.

۱- تملکات بلاعوض از ناحیه صغیر ممیز و سفیه نافذ است.

به یاد داشته باشید

تمامی معاملات مضر به حال محجورین مثل تملیکات بلاعوض و تنفیذ وصیت زاید بر ثلث و امثال اینها، باطل و بلااثر است.

چند نکته مهم

۱	✓ محجورین برای تملیکات بلاعوض مطلقاً اهلیت ندارند.
۲	✓ با وجود اهلیت استیفاء ناقص امکان تملک بلاعوض وجود دارد. ✓ منظور از اهلیت استیفاء ناقص اهلیت استیفاء سفیه و صغیر ممیز می باشد. ✓ صغیر ممیز و سفیه، دارای اهلیت استیفاء ناقص هستند و تملک بلاعوض آنها صحیح است.

• ماده ۲۱۱ قانون مدنی: « برای اینکه متعاملین اهل محسوب شوند باید بالغ و عاقل و رشید باشند».

بالغ بودن و عاقل بودن و رشید بودن از شرایط اهلیت داشتن برای معامله است.

سن بلوغ

سن بلوغ در پسر < ۱۵ سال تمام قمری است.

سن بلوغ در دختر < ۹ سال تمام قمری است.

✓ رشد بالغ باید در دادگاه ثابت شود ولی رویه قضایی و اداری ما، اثبات رشد را در دادگاه به کمتر از ۱۸ سال تمام اختصاص داده است یعنی اگر شخص ((دختر یا پسر)) به سن ۱۸ سال برسد رشید محسوب می شود مگر اینکه خلاف آن ثابت شود.

✓ اگر شخص ((دختر یا پسر)) زیر ۱۸ سال باشد اصل بر این است که هنوز رشید نیست مگر اینکه حکم رشد او از دادگاه صالح صادر شود.

لزوم اثبات سن رشد محدود به امور مالی است و دیوانعالی کشور، رسیدن به سن بلوغ را برای احراز رشد درباره امور غیر مالی کافی می داند.

تفاوت در خصوص اهلیت برای انجام اعمال حقوقی بین امور مالی و امور غیر مالی شخص

در امور مالی شخص باید رشید باشد. ✓ یعنی شخص ۱۸ سال تمام داشته باشد یا اگر زیر ۱۸ سال باشد حکم رشد او ثابت شده باشد.	
در اعمال حقوقی غیر مالی سن بلوغ شخص مدنظر است نه سن رشد او. ✓ سن بلوغ در پسر ۱۵ سال و در دختر ۹ سال تمام قمری است.	
سن رشد	شخص ۱۸ سال تمام داشته باشد یا اگر زیر ۱۸ سال باشد، حکم رشد او ثابت شده باشد.
سن بلوغ	همانطور که گفتیم: سن بلوغ در پسر ۱۵ سال و در دختر ۹ سال تمام قمری است.

- ماده ۲۱۲ قانون مدنی: « معامله با اشخاصی که بالغ یا عاقل یا رشید نیستند به واسطه عدم اهلیت باطل است ».

چند نکته مهم	۱	تمام معاملات صغیر غیر ممیز < باطل است.
	۲	معامله صغیر ممیز و غیر رشید یا سفیه یا اشخاصی عقب افتاده غیر نافذ است و در مورد تملکات مجانی < نافذ است.
دقت کنید	۳	سفیه می تواند برای انجام دادن اموری که اهلیت دارد < به دیگران وکالت بدهد یا وکالت آنها را بپذیرد. ✓ سفیه در اموری که خودش اهلیت دارد می تواند وکالت بدهد یا وکالت بگیرد.

- ماده ۲۱۳ قانون مدنی: « معامله محجورین نافذ نیست ».

واژه محجور در این ماده به معنی مفلس و ورشکسته است.

دقت کنید	✓ همانطور که می دانیم معامله مفلس و ورشکسته نافذ نیست. نباید معسر را در این گروه جای داد زیرا معامله معسر در هیچ حالتی غیر نافذ نیست و معامله معسر همیشه نافذ است.
----------	---

- ماده ۲۱۴ قانون مدنی: « مورد معامله باید مال یا عملی باشد که هریک از متعاملین تعهد تسلیم یا ایفاء آن را می کنند ».



لازم به ذکر است

تفاوت مورد معامله عین معین و کلی در معین با مورد معامله کلی فی الذمه

اگر مورد معامله عین معین یا کلی در معین بود باید هنگام معامله و عقد موجود باشد.	اگر مورد معامله ما کلی فی الذمه بود و در هنگام معامله و عقد موجود نباشد معامله صحیح و معتبر است.
--	---

به یاد داشته باشید

مورد معامله هنگام عقد باید اصولاً به تفصیل برای طرفین معلوم باشد. یعنی علم به مورد معامله اصولاً باید تفصیلی باشد.
(در خصوص این بحث در جلد دوم حقوق یار مدنی و قسمت مدنی ۶، به طور کامل تدریس شده است)

- ماده ۲۱۵ قانون مدنی: «مورد معامله باید مالیت داشته و متضمن منفعت عقلانی مشروع باشد».

دقت کنید

بعضی چیزها هستند که در نظر عرف ارزش معاملاتی ندارند ولی در نظر خریدار و فروشنده ارزش معنوی دارند و فروش آنها معقول است مثل یادگاری‌های خانوادگی.
مثلاً یادگاری‌های خانوادگی بین طرفین معامله ارزش معنوی زیادی دارند ولی در عرف ارزش دادوستد ندارند.

نکته مهم

منظور از منفعت عقلایی داشتن موضوع معامله چیست؟

✓ اگر سود چیزی بیشتر از زیان آن باشد دارای منفعت عقلایی است.

اگر چیزی که در نظر عرف فاقد ارزش مالی است و مورد معامله قرار بگیرد، در صورتی که نزد طرفین ارزش مالی یا معنوی داشته باشد بیع صحیح است.

اگر جنس مورد معامله، مالیت نداشته باشد معامله نوعاً باطل است.

مالیت داشتن مورد معامله

✓ مثلاً فروش سه عدد چوب کبریت به قیمت ۵۰ ریال نوعاً باطل است اما شخصاً صحیح است.

✓ ملاک ما برای ارزش مالی جنس معامله ملاک شخصی است. به این معنی که مورد معامله باید بین طرفین ارزش مادی یا معنوی داشته باشد.

اما به یاد داشته باشید

✓ ملاک شخصی به تنهایی کافی نیست زیرا عرف هم باید مالیت داشتن مورد معامله را بین طرفین تأیید کند و باید در نظر عرف هم ارزش داشته باشد.

بنابراین فروش این سه عدد چوب کبریت به این مبلغ، نوعاً **باطل** است

- ماده ۲۱۶ قانون مدنی: «مورد معامله باید مبهم نباشد مگر در موارد خاصه که علم اجمالی به آن کافی است».

این ماده شرایط و ارکان معلوم بودن مورد معامله را در سه فاکتور مشخص کرده است.

✓ پس برای اینکه مورد معامله معلوم باشد، باید دارای سه فاکتور مهم و اساسی باشد.

باید مقدار مورد معامله، جنس مورد معامله و وصف مورد معامله معلوم باشد

از جمله فاکتورهای اصلی و اساسی مورد معامله، این سه مورد هستند
که مورد معامله را از ابهام درمی آورند:

مقدار مورد معامله معلوم باشد	جنس مورد معامله معلوم باشد	وصف مورد معامله معلوم باشد
------------------------------	----------------------------	----------------------------

✓ از جمله فاکتورهای اختیاری:

۱- ارزش مورد معامله می باشد.
۲- مرغوبیت کالا می باشد.

مثلاً اگر ارزش مورد معامله و مرغوبیت کالا در معامله ذکر نشوند ← به صحت معامله خللی وارد نمی شود.

نکته مهم

🎨 مثلاً علی با رضا یک عین معین ((خودروی پراید را که در نمایشگاه اتومبیل پارک شده است)) مورد معامله قرار می دهند. این خودروی پراید یک عین معین است. فروش یک پراید از چند پراید موجود در نمایشگاه اتومبیل، به دلیل تردید در مورد معامله باطل است و باید جنس مورد معامله که عین معین است، کاملاً مشخص، معلوم و معین باشد تا معامله صحیح منعقد شود.

✓ پس چنانچه در عین معین، تردید باشد معامله باطل است.

((همین قاعده در مورد ضمان یکی از چند دین اجرا می شود))

سوال مهم

به چه دلیل ضمان یکی از چند دین به نحو تردید موجب بطلان عقد است؟

به جهت نامعین بودن موضوع عقد، یعنی چون موضوع عقد ما معین نیست عقد باطل است.

موضوع عقد ضمان یک دین است که اگر این دین مشخص و معین و معلوم نباشد، معامله یا عقد ضمان باطل می شود.

مثلاً در عقد بیع، اگر فروشنده یکی از دو دستگاه اتومبیل خود را بفروشد عقد بیع مطلقاً باطل است زیرا مورد معامله ما مردّد است و معین نیست.

ارزش مبیع یا ارزش جنس مورد معامله

✓ ارزش مبیع یا ارزش جنس مورد معامله، به هنگام بیع از شرایط صحت معامله نیست و اگر مجهول باشد معامله صحیح و نافذ است لذا با این تفاسیر، تنها این سه فاکتور مهم و اساسی خواهند بود:
(مقدار، جنس و وصف مورد معامله)
بنابراین اگر موضوع معامله کلی باشد تعیین مقدار و جنس و وصف کافی است و مرغوبیت کالا می‌تواند در قرارداد مجهول باشد که در این صورت انتخاب با مدیون است. البته به شرطی جنسی که انتخاب می‌کند معیوب نباشد.

✓ در حاشیه ۵ این ماده فروش اسب برنده در مسابقه‌ای که چند اسب معین در آن شرکت دارند در حکم معین است.
✓ در حاشیه ۶ این ماده در بعضی عقود، علم اجمالی به مورد معامله کافی است. (این مورد در همین ماده ۲۱۶ قانون مدنی آمده است و بیان داشته که: «مورد معامله باید مبهم نباشد مگر در موارد خاصه که علم اجمالی به آن کافی است»)

به یاد داشته باشید

علم اجمالی در این سه عقد بارز به مورد معامله، کافی است



• ماده ۲۱۷ قانون مدنی: «در معامله لازم نیست که جهت آن تصریح شود ولی اگر تصریح شده باشد، باید مشروع باشد و آلا معامله باطل است»

انگیزه و جهت نامشروع در صورتی عقد را باطل می‌کند که یا هر دو طرف معامله از آن آگاه باشند و یا مشترک بین دو طرف باشد.
مثلاً علی با رضا معامله‌ای را انجام می‌دهد و مورد معامله آنها الکل است. اگر علی به رضا بگوید که این الکل را برای مصرف خوردنی می‌خواهد، این معامله به علت نامشروع بودن جهت و انگیزه باطل است.

تفاوت جهت معامله و جهت تعهد

جهت معامله یعنی انگیزه بدون واسطه معامله. جهت معامله مقصودی است که معامله‌کننده به خاطر آن معامله می‌کند و آن انگیزه‌ای است که قبل از معامله در هر یک از متعاملین پیدا می‌شود. لذا جهت معامله یک امر شخصی است.	جهت تعهد، امری نوعی است و در تمام معاملات مشابه، یکی است.
--	---

به یاد داشته باشید

اگر در معامله جهت آن تصریح شود و نامشروع باشد معامله باطل است و عقد در صورتی باطل است که ← جهت آن در صورت تصریح نامشروع باشد.

منظور از < ((در صورت تصریح)) یعنی در هنگام عقد، جهت معامله تصریح و ذکر شود. مثلاً محمد با سعید یک خودروی پراید را مورد خرید و فروش قرار می دهند. اگر هدف محمد از خرید این خودرو پراید حمل مواد قاچاق باشد این معامله در صورتی باطل خواهد بود که سعید از این قضیه مطلع بوده و محمد هدف خودش را از خرید این خودرو در زمان عقد بیان کند.

• ماده ۲۱۸ قانون مدنی: «هرگاه معلوم شود که معامله به قصد فرار از دین به طور صوری انجام شده، آن معامله باطل است».

مثلاً اگر شخصی با قصد فرار از دین به طور صوری یک معامله‌ای را انجام دهد این معامله باطل است. ✓ در معامله صوری چون طرفین معامله، قصد ندارند لذا معامله باطل و بلااثر است.

((در این خصوص فرقی ندارد به انگیزه فرار از دین باشد یا هر انگیزه‌ای که بین طرفین عقد باشد))

ماده‌ای بسیار مهم و کلیدی

خیلی دقت کنید

معامله صوری به علت اینکه عنصر قصد را در خود جای نمی‌دهد باطل است. گاهی اوقات، معامله‌ای به قصد فرار از دین واقع می‌شود اما این معامله صوری نیست. معامله‌ای که به قصد فرار از دین واقع شود اما صوری نباشد در برابر طلبکاران قابل استناد نیست و به بیان دیگر غیر قابل استناد است.

ضمانت اجرای معامله به قصد فرار از دین

۲- در برابر طلبکاران غیر قابل استناد است.

۱- در رابطه بین دو طرف نافذ است.

مثلاً علی یک مالی را دارد و به قصد اضرار به دیان و طلبکارانش که سجاد و سعید هستند، مالش را وقف می‌کند. این وقف غیر نافذ است و نفوذ آن منوط به اجازه دیان او ((یعنی سجاد و سعید)) است. یعنی اگر طلبکاران علی اجازه بدهند و معامله را تنفیذ کنند، این وقف نافذ و صحیح خواهد شد.

**تفاوت معامله به قصد فرار از دین به طور صوری
با معامله به قصد فرار از دین**

اگر معامله‌ای با قصد فرار از دین منعقد شده باشد، این معامله در رابطه بین دو طرف نافذ و در برابر طلبکاران غیر قابل استناد است.	اگر معامله به قصد فرار از دین به طور صوری منعقد شده باشد، چون این عقد صوری است به علت فقدان قصد باطل است.
---	---

✚ بنابراین طلبکاران علی ((سجاد و سعید)) می‌توانند به دادگاه دادخواست بدهند و با ارائه دلیل به دادگاه بگویند که مدیون (علی) برای فرار از دین، قصد فروش اموال خودش را دارد. دادگاه هم می‌تواند قرار توقیف اموال علی را به میزان بدهی که دارد صادر نماید. در این صورت علی بدون اجازه دادگاه، حق فروش اموالش را ندارد. ✚ حکم این بحث فقط در خصوص فروش مال نیست و شامل صلح و هبه و وقف هم می‌شود. یعنی علی نمی‌تواند مال خودش را بدون اجازه دادگاه وقف یا صلح کند و به طور کلی علی نمی‌تواند نسبت به مالش معامله‌ای کند که به زیان طلبکارانش باشد. < ✚ پس علی نمی‌تواند اموالش را حتی به رهن هم بگذارد. زیرا این به رهن گذاشتن < دارائی مدیون را به خطر می‌اندازد. ((این نکات مربوط به درس آئین دادرسی مدنی است که در کتاب صوتی آیین دادرسی مدنی در این خصوص بحث کرده ایم))	
--	--

- ماده ۲۱۹ قانون مدنی: «عقودی که بر طبق قانون واقع شده باشد بین متعاملین و قائم مقام آنها لازم‌الاتباع است مگر اینکه به رضای طرفین اقاله یا به علت قانونی فسخ شود».
- ✚ این ماده بیانگر < اصل لزوم قراردادها و اصل قدرت اجبارکننده عقد است.

طبق اصل لزوم قراردادها	وقتی در جایز بودن یا لازم بودن عقدی شک کنیم، باید اصل را بر لزوم عقد بگذاریم.
طبق اصل اجبارکننده عقد	عقودی که طبق قانون واقع شده‌اند «لازم یا جایز» بین طرفین عقد، لازم‌الاتباع است.

- ماده ۲۲۰ قانون مدنی: «عقد نه فقط متعاملین را به اجرای چیزی که در آن تصریح شده است ملزم می‌نماید بلکه متعاملین به کلیه نتایجی هم که به موجب عرف و عادت یا به موجب قانون از عقد حاصل می‌شود ملزم می‌باشند».

✓ در حاشیه های این ماده، در مورد قانون امری، قانون تکمیلی، عرف و اراده اشخاص نکات مهمی وجود دارد. حال می خواهیم این چهار رکن را (یعنی قانون امری، قانون تکمیلی، عرف و اراده اشخاص) با یکدیگر مقایسه کنیم.

قانون امری ← قویترین قانون در بین این چهار گزینه است.

۱	✓ قانون امری ← در مقام اول قرار دارد. ■ قانون امری در تعارض با هر کدام از عرف و اراده اشخاص و قانون تکمیلی ← همیشه اول است. ✓ هیچ کس و هیچ چیز توان مقابله با قانون امری را ندارد. ✓ لذا هرگونه قراردادی که برخلاف این قانون بسته شود نافذ و قانونی نخواهد بود.
۲	✓ بعد از قانون امری، اراده طرفین ((توافق طرفین))، بر قرارداد حاکم است. ■ اگر در مورد مسأله ای قانون امری ساکت بود و نظر نداده بود، در اینجا اراده طرفین است که معیار و ملاک خواهد بود.
۳	✓ بعد از اراده طرفین، حکم عرف قرار دارد. ■ اگر در مورد مسأله ای قانون امری وجود نداشت و اراده طرفین هم ساکت بود، حکم عرف مسأله را برای ما مشخص می کند و عرف بر آن مسأله حاکم می شود.
۴	✓ در آخرین رده بندی قانون تکمیلی یا تخییری قرار دارد. ■ بنابراین قانون امری، اراده طرفین و عرف، هر سه بر قانون تکمیلی مقدم هستند.

جدول مقایسه قانون امری، قانون تکمیلی، عرف و اراده اشخاص

در جمع بندی بحث

اراده اشخاص در مقام دوم قرار دارد

قانون امری در مقام اول قرار دارد

عرف در مقام سوم قرار دارد

قانون تکمیلی در مقام چهارم این رده بندی قرار گرفته است

جمع بندی نکته خیلی مهمی که در آزمون های حقوقی ادوار پیشین
مورد توجه طراح سوال قرار گرفته است

	۱ اراده اشخاص بر عرف حاکم است.
	۲ قانون امری بر عرف و اراده اشخاص حاکم است.
	۳ عرف و اراده اشخاص و قانون امری، هر سه بر قانون تکمیلی حاکم هستند.

خیلی دقت کنید

✓ پابندی طرفین عقد به لوازم عرفی آن ← بدون قید و شرط است، حتی اگر طرفین نسبت به عرف جاهل باشند مگر اینکه برخلاف آن تصریح شده باشد.

🚩 مثلاً اگر من قراردادی را با شما منعقد کنم باید پابند به تمام نتایجی هم که به موجب عرف و عادت یا به موجب قانون از عقد حاصل می گردد، شوم و نمی توانم به بهانه جاهل بودن به این نتایج عقد، از زیر مسئولیت فرار کنم و شانه خالی نمایم.

در بسیاری از موارد قرینه مشخصی برای تعیین تفسیری بودن یا امری بودن قوانین وجود ندارد. معیار کلی برای دسته بندی ارتباط قوانین با «نظم عمومی» است. اگر رعایت قانونی برای حفظ نظم عمومی لازم باشد آن قانون یک **قانون امری** محسوب شده و در غیر این صورت قانون مذکور یک **قانون تفسیری** می باشد.

قوانین مربوط به نظم عمومی قوانینی هستند که هدف از وضع آنها حفظ منافع عمومی باشد و تجاوز به آنها، نظامی را که لازمه حسن جریان امور اداری، سیاسی، اقتصادی یا حفظ خانواده است بر هم زند.

- ماده ۲۲۱ قانون مدنی: «اگر کسی تعهد اقدام به امری را بکند یا تعهد نماید که از انجام امری خودداری کند در صورت تخلف مسئول خسارت طرف مقابل است مشروط بر اینکه جبران خسارت تصریح شده و یا تعهد عرفاً به منزله تصریح باشد و یا برحسب قانون موجب ضمان باشد».

این ماده در رابطه بین دو نفر بحث کرده است. ((یکی متعهد و دیگری متعهدله))

ماده مهم و آزمونی

متعهد علیه ← کسی است که باید تعهد را به جا بیاورد	متعهد له ← کسی است که تعهد برای او انجام می شود.
واژه (علیه) یعنی برضد او	واژه (له) یعنی برای او

نکته مهم و کلیدی

در اینگونه واژه ها مثل ((متعهدله، محکوم له، مشروط له)) در مورد جایگاه حقوقی شخص باید به پسوند آخر کلمه که «له» یا «علیه» است دقت کنید. ((اگر له بود یعنی برای او و اگر علیه بود یعنی بر ضداو))

در صورت بروز اختلاف بین متعهد و متعهدله

- ✓ اگر هر کدام از آنها مدعی باشند ← باید برای انجام یا عدم انجام تعهد دلیل بیاورند.
- ✓ موضوع تعهد ← گاهی اوقات انجام کار یا عملی است و گاهی اوقات عدم انجام کار یا عملی می باشد.
- ✓ در هر دو دعوا ← مدعی کسی است که برخلاف اصل سخن می گوید.

تفاوت بین موضوع تعهد مبنی بر انجام کار و عدم انجام کار

در مواردی که موضوع تعهد ← خودداری از انجام کار یا عملی باشد، متعهدله مدعی محسوب می شود.
پس متعهدله است که خلاف اصل سخن می گوید. بنابراین اگر موضوع تعهد، عدم انجام کاری باشد ← مدعی متعهدله است.

در مواردی که موضوع تعهد ← انجام کاری باشد طبق اصل عدم، متعهد، مدعی محسوب شده و باید انجام دادن کار را ثابت کند و ثابت کند که من این کار و تعهد را انجام داده ام. بنابراین اگر موضوع تعهد، انجام کار باشد ← مدعی متعهد است.

به یاد داشته باشید

✓ در مواردی که موضوع تعهد، منفی و ناظر به خودداری از انجام دادن کاری است ((یک ترک فعل است)) در مقام اثبات وفای به تعهد، طلبکار مدعی محسوب می‌شود. ((اثبات عدم انجام تعهد، برعهده متعهدله خواهد بود))

✧ این ماده در مورد مسئولیت قراردادی بحث کرده است.

خیلی دقت کنید

برای تحقق مسئولیت قراردادی وجود سه شرط لازم است:

۲- تخلف از یکی از تعهدات ناشی از قرارداد

۱- وجود یک قرارداد صحیح و معتبر

۳- ورود خسارت به طرف قرارداد

خسارت باید به طرف قرارداد وارد شود نه به شخص ثالث

توجه کنید

✓ باید میان خواهان و خوانده دعوی مسئولیت مدنی < رابطه قراردادی باشد.
✓ اگر در اثر عدم اجرا یا سوء اجرای عقد توسط یکی از متعاقدين به شخص ثالثی ضرر و زیانی وارد شود < مسئولیتی که برای وارد کننده ضرر به وجود می آید مسئولیت قراردادی نیست زیرا < مسئولیت قراردادی در بین طرفین عقد چرخشی دارد و به شخص ثالثی که در عقد نیست، ربطی ندارد.

در بیان کلی باید فهمیده باشید

در مسئولیت قراردادی، ممکن است یک طرف قرارداد به علت تخلف از شرایط قرارداد و عدم ایفای تعهدات مندرج در متن قرارداد موجب ضرر و زیان طرف دیگر قرارداد شود.
در این صورت شخص متخلف مسئول است که خسارت وارده به طرف دیگر را جبران کند مگر این که ثابت کند که بر اثر قوه قهریه قادر به ایفای تعهدات نبوده است.

مبحث مهم

سوال

■ در چه صورت متعهد متخلف که تعهد خودش را انجام نداده است، مسئول جبران خسارت است؟

✓ در صورت وجود یکی از این دو گزینه، متعهد متخلف مسئول جبران خسارت است.

در جمع بندی بحث

۱- در صورتی که قانون، متخلف را مسئول جبران خسارت بداند.

۲- در صورت وجود شرط جبران خسارت تخلف در عقد.

■ بنابراین اگر یکی از این دو گزینه بالا به وجود آید، متعهد متخلف مسئول جبران خسارت است.

((به واژه‌های {و}، {با}، {یا} در جواب دادن به سوال خیلی دقت کنید))

پس اگر متعهد به تعهد خود عمل نکند، متعهدله در صورتی می‌تواند مطالبه خسارت کند که جبران خسارت در

قرارداد تصریح شده یا تعهد عرفاً به منزله تصریح باشد و یا برحسب قانون موجب ضمان باشد.

سوال

مبحث مهم

■ اگر متعهد از انجام تعهد خود امتناع کند و امکان نداشته باشد او را الزام به انجام تعهد کنیم چه باید کرد؟

✓ در این صورت اگر مباشرت متعهد شرط نشده باشد یعنی اینکه شرط نشده باشد که خودش به طور مستقیم این

تعهد را انجام دهد، حاکم می‌تواند به هزینه متعهد موجبات انجام تعهد را فراهم کند و به متعهد بگوید، اگر نمی‌تواند

تعهد را انجام دهد و امکانش را ندارد، باید هزینه انجام تعهد را بپردازد که به شخص دیگری بدهیم تا انجام دهد یا

اینکه متعهدله می‌تواند با اجازه حاکم به هزینه متعهد خودش شخصا عمل را انجام دهد.

سوال

■ حال اگر متعهد از این ایفای تعهد خودداری کند، متعهدله باید چه کاری انجام دهد تا به حقش برسد؟

✓ متعهدله باید به دادگاه مراجعه کند و تقاضای الزام متعهد را به انجام تعهد نماید. لذا اگر این الزام ممکن نبود،

دادگاه باید هزینه انجام تعهد را از متعهد بگیرد و به یک شخص دیگری یا به همان شخص متعهدله بدهد که تعهد را

انجام دهد.

✎ مثلاً علی که تعمیرکار ماشین سنگین است، ماشین سنگین خودش را که خراب است به دوستش یعنی آقارضا

می‌فروشد و در ضمن فروش این خودروی معیوب تعهد به تعمیر این خودرو را می‌کند. اما بعد از معامله از انجام

تعهد خودداری می‌نماید.

در اینجا خریدار ((آقارضا)) می‌تواند به دادگاه رجوع کند و الزام علی را به تعمیر ماشینش بخواهد. دادگاه هم

تصمیم می‌گیرد که آقاعلی ((فروشنده)) باید این ماشین را تعمیر کند. این الزام فایده ندارد چرا که علی می‌گوید

من از تعمیر این ماشین عاجز هستم و واقعاً نمی‌توانم این ماشین را تعمیر کنم. در این حالت دادگاه می‌گوید: این

ماشین باید با هزینه علی توسط شخص دیگری تعمیر شود و اگر شخص دیگری هم پیدا نشود که این ماشین را تعمیر

کند، آخرین راه برای آقارضا این است که حق فسخ معامله را پیدا می‌کند و می‌تواند معامله را فسخ کند.

بنابراین حق فسخ قرارداد و معامله در آخرین درجه این مسئولیت قراردادی قرار دارد.

✓ لذا دادگاه حتی‌الامکان می‌خواهد که این تعهد برای متعهدله انجام شود اما وقتی دیگر راهی نیست و هیچکس

نمی‌تواند این تعهد را به جا بیاورد، در آخرین مرحله حق فسخ را به متعهدله یا همان آقارضا می‌دهد.

در ماده ۲۲۲ قانون مدنی این مسائل ذکر گردیده است و در مورد اجرای تعهد به هزینه مدیون یا متعهد بحث شده است

خیلی دقت کنید

- ✓ اگر مباشرت مدیون در راستای انجام تعهد قید شده باشد ← ماده ۲۲۲ قانون مدنی کاربردی ندارد.
- ✓ پس فرض این ماده مخصوص موردی است که مباشرت مدیون در قرارداد شرط نشده باشد.

- ماده ۲۲۲ قانون مدنی: «در صورت عدم ایفای تعهد با رعایت ماده فوق حاکم می‌تواند به کسی که تعهد به نفع او شده است اجازه بدهد که خود او عمل را انجام دهد و متخلف را به تأدیه مخارج آن محکوم نماید»

((نکات این ماده در ماده ۲۲۱ قانون مدنی تشریح شده است))

- ماده ۲۲۳ قانون مدنی: «هر معامله که واقع شده باشد محمول بر صحت است مگر اینکه فساد آن معلوم شود».

❖ این ماده بیانگر اصل صحت است. یعنی اصل بر این است معاملات و قراردادهایی که انجام می‌شود صحیح است مگر اینکه فساد آن معلوم شود.

👉 مثلاً علی با حسین معامله‌ای را انجام می‌دهد و علی، مدعی این است که حسین مجنون ادواری است و در هنگام معامله حسین در حال جنون بوده است، بار اثبات این ادعا برعهده ← علی است. زیرا علی، مدعی فاسد بودن معامله است.

✓ بنابراین معامله، طبق اصل صحت، صحیح است و برای برخلاف جلوه دادن این صحت، علی باید دلیل بیاورد که حسین در حال معامله، در حال جنون بوده است.

✓ اما اگر قبل از معامله، حکم حجر حسین از دادگاه صادر شده باشد، علی دیگر نیازی به اثبات ادعای خودش ندارد و این معامله فاسد است.

سوال

خیلی دقت کنید

اصل صحت در کجا حاکم می‌شود؟

✳ اصل صحت در مواردی حاکم است که:

- ۱- یا اراده اشخاص با قصد باطنی آنها تعارض داشته باشد.
- ۲- یا اشتباه در شخصیت طرف معامله شده است.
- ۳- یا طرف معامله به دلیل فشار خارجی و اکراهی که بر آن بوده است مختار نبوده باشد.
- ۴- یا عقد جهت نامشروع داشته است.

در این گونه موارد، اصل صحت حاکم است و برطبق اصل صحت معامله درست و صحیح است مگر اینکه دلیلی برخلاف اصل صحت اقامه شود.

مثلاً در صورت ادعای مخالف عقد با قانون، بر طبق اصل صحت باید گفت که عقد صحیح است و کسی که ادعا می‌کند که این عقد قانونی نیست، باید دلیل بیاورد.

جهت تهیه این کتاب به همراه فایل صوتی تدریس با موسسه قانون یار تماس حاصل فرمایید

۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹ – ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۲۶

سی دی های تدریس صوتی دروس حقوقی و کارگاه های قانون خوانی های
موسسه قانون یار را از ما بخواهید (سبک آموزشی نوینی در جامعه حقوقی کشور)

WWW.GHANONYAR.ir

با مطالعه دیگر کتب نموداری و صوتی موسسه قانون یار

به همین سبک دیگر هیچ نیازی به خرید منبع مکمل دیگری ندارید

شماره تماس های مدیران فروش قانون یار

۰۹۱۹۶۷۴۸۶۴۵ – ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵

پشتیبانی ۲۴ ساعته آنلاین در واتس آپ

و ثبت سفارش از طریق واتس آپ

۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲